



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۳۰

داکتر نوراحمد خالدي

دیوانه شاخ دارد یا دم!

طوری که دیده میشود، برای دونالد ترامپ دروغ گفتن دیگر یک بازی رسانه‌ی نیست، این یک میتود حکومتداری است. درست مانند آنچه که واکلاو هاول، نماینده نویسنده مخالف چکی که بعداً رئیس جمهور چکوسلواکیا شد، در نمایشنامه "قدرت قصر"، تشریح کرده بود، سیستمی که در آن دروغ - اشتباهات لفظی نیست - بلکه اساس خود قدرت است. یک سیستم که نه تنها دروغ را تحمل میکند بلکه نیاز به آن دارد، آنرا تولید میکند، در داخل آن زندگی میکند و به اصطلاح مانند آب خوردن دروغ میگوید.

با آنکه این گونه دروغ گفتن در جهان غرب برای اغوی مردم همیشه یک پدیده عادی و اما بسیار پیچیده، و هنرمندانه بوده که از طریق سازمانهای استخباراتی (ام آی شش، سی آی ای، موساد و امثالهم ترتیب و طراحی گردیده) و توسط رسانه های وابسته به آنها (بی بی سی، سی ان ان، فاکس نیوز و امثالهم) طوطی وار اعمال می گردید. سیستمی که در آن همه چیز باید جعل شود. هاول این را در اواخر زمامداری کمونیسم نیز دید، جهانی که زبان از حقیقت جدا میشود، جاییکه حقیقت دیگر کشف نمیشود بلکه اجراء میشود.

اما امروز برای دونالد ترامپ دروغ گفتن دیگر یک نقص نیست، این یک میتود حکومتداری است. و دونالد ترامپ تمام پوشش کاغذ تحفه‌ی آنرا پاره کرده لچ و عربیان با تمام زشتی آن تفاله میکند. بدتر از همه آنکه اگر قبلاً این دستگاه های استخباراتی و رسانه های وابسته به آنها بودند که از آمریکا، اروپا و استرالیا توسط بازیگران بسیار حرفه‌ی از زبان سخنگویان و مبصرین و آگاهان سیاسی، نظامی و اجتماعی بی بی سی، صدای آمریکا، رادیو فرانسه، صدای آلمان، سی ان بی سی، سی ان ان، فاکس نیوز و امثالهم مردم عادی را مغزشویی میکردند، امروزه شخص رییس جمهور آمریکا نه تنها کاری به مردم عادی ندارد بلکه به مغزشویی اعضای کانگرس، بی بی سی، صدای آمریکا، رادیو فرانسه، صدای آلمان، سی ان بی سی، سی ان ان، فاکس نیوز و امثالهم مشغول است!

طبق تخمین خبرنگاران آگاه، تنها در دوره اول او، بیش از 30,000 ادعای نادرست یا گمراه کننده، یعنی دروغ 20 در روز. این مبالغه نیست، این حالت دروغ گفتن در میزان صنعتی، سیستماتیک و بی وقفه است. بررسی کنندگان حقایق باید زبان جدیدی را فقط برای توصیف آن اختراع می کردند ادعاهایی که اغلب اوقات تکرار می شد و دیگر نمی توان آنها را با خطا اشتباه گرفتند.

حالا در دور دوم، مقیاس گسترش یافته است، خطرات عمیق تر شده است، عواقب آن اکنون جهانی است. بخاطریکه دروغ ها دیگر به تجمعات یا جلسات مطبوعاتی محدود نمیشود؛ آنها در جنگ جاسازی شده اند. و زبان نخستین قربانی است. برای دور زدن کانگرس و مردم عامه، ترامپ اصرار میکند که این یک جنگ نیست؛ این یک عملیات، یک ماموریت محدود، یک سفر است. مگر حقیقت طور دیگری میگوید: هزاران سرباز مستقر شدند، گروه های حامل تغییر موقعیت یافتند، تجهیزات هوایی بسیج شدند، نیروهای خاص داخل شدند، چیزی که قرار بود ساعت ها دوام بیاورد به روزها، به هفته ها و هیچ پایانی هم در نظر نیست.

به تناقضات توجه کنید: چند ماه قبل ادعا شد که برنامه هسته‌ی ایران کاملاً از بین رفت، کاملاً از بین رفت، و با این حال ماه ها بعد از بین بردن همین برنامه دوباره ناگهان جدی و فوری شد، یک تهدید قریب الوقوع که باید فوراً با آن مقابله کرد. ویران و دست نخورده، تمام شده و ناتمام، رفته و هنوز هم بسیار، بسیار، بسیار خطرناک است. بعداً گفته شد: ما قابلیت های بحری آنها را از بین بردیم، طوریکه تنش ها در خلیج تشدید شد و سربازان ایالات متحده در حالت دفاعی قرار گرفتند. ما قابلیت های راکتی آنها را از بین بردیم، اما امواج راکت ها همچنان به تل ایبب اصابت می کنند. حقیقتی که دیگر نمیتوانند با بدترین سانسور ها در اسرائیل غیرقابل انکار اند.

بعد تهدید: نیروگاه های برق ایران در جریان 48 ساعت از بین میرود. بازارها میلرزد، قیمت ها بالا میرود، وحشت گسترش میابد، و بعد برای ثابت ساختن عواقب بد تجارتي و مالی ناگهان مذاکرات خیالی صورت میگیرد. او مدعی

د پائو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مذاکرات پیشرفته با رهبری ایران است، اما آن ادعاها توسط رئیس پارلمان، توسط معاون او، توسط وزیر خارجه ایران علنی رد گردید.

شاید او با اشباح زمامداران ایرانی مذاکره میکرد، بعداً، نوبت آخرین ضرب العجل رسید: او می‌گوید که ایران 7 روز فرصت خواسته است مگر او خیلی سخاوتمندانه به آنها 10 روز فرصت داد. یک حرکت دیپلوماسی. یک نشانه که گفتگوها کار میکند. مگر ایران می‌گوید نه. کدام درخواستی در کار نیست. هیچ گفتگویی در جریان نیست ما صرف نظریات خود را از طریق افراد ثالث بیان داشته‌ایم. هیچ واقعیت مشترک وجود ندارد.

زبان نرم می‌شود، اما ماشین جنگ نه. زمینه ساختن‌ها همچنان ادامه دارد. توهم مذاکره پوششی برای تشدید جنگ میشود. و در حالیکه جنگ ادامه دارد و آماده میشود تا بیشتر وخیم و شدید شود، ترامپ و هیگست به نوبه خود بارها و بارها، بعضی اوقات چندین بار در یک سخنرانی پیروزی را اعلام میکنند.

زیرا در این نظام دروغ و جعل پیروزی به دست نمی‌آید، اعلام می‌شود. زبان فقط خم نشده است، بلکه سر چیه شده است. تشدید به تنش زدایی تبدیل میشود. جنگ به صلح تبدیل می‌شود. شکست به پیروزی تبدیل می‌شود.

حرکات و گفتار دونالد ترامپ را میتوان تحت نشانه‌های یک انسان دیوانه، غیر صادق و نفرت انگیز، یا هر سه نشانه در عین زمان قرار داد.

ترامپ در دفتر بیضوی قصر سفید در حالیکه در مورد گاوین نیوزوم والی کلیفورنیا صحبت میکرد او را "رئیس جمهور ایالات متحده، گاوین نیوزوم" خواند. این نشانه یک انسان دیوانه است.

دونالد ترامپ یک دروغ کلاسیک گفت وقتی ادعا کرد که "روسای جمهور دیگر باید این کار را انجام میدادند— من با یکی از روسای جمهور سابق که من واقعاً او را دوست دارم صحبت کردم. من در حقیقت با بعضی‌ها صحبت میکنم. من بعضی از مردم را دوست دارم. این تکان دهنده خواهد بود. و او گفت، من کاش من همان چیزی را که شما انجام دادید انجام میدادم" هیچ یک از سه رییس جمهور سابقه زنده این گفتگو را تایید نکردند.

در بالا شما آنجا یک مثال از او که دیوانه است و یک مثال از اینکه او دروغگو است دارید. اینهم یک مثالی که او نشانه‌های هر دو را در عین زمان بروز میدهد: "اگر من توافق هسته‌یی بارک حسین اوباما با ایران را فسخ نمی‌کردم، شما همین حالا—خوب، اسرائیل از بین میرفت. سوختانده میشد و احتمالاً شرق میانه نیز به همین ترتیب". در حالیکه مطابق توافق ایران در برجام ایران غنی‌سازی اورانیوم را از 3% بالا نمی‌برد و اگر اجرا میشد ایران امروز یورانیوم غنی شده بالاتر از 60% را در اختیار نمیداشت و تمام تاسیسات اتمی آن مهر لاک شده زیر نظارت آژانس بین‌المللی اتمی قرار میداشت و امروز کسی از تهدید اتمی ایران صحبتی نمی‌کرد. اما دونالد ترامپ به هدایت بنیامین نتانیاهو این توافق را پاره کرد. چون هدف اسرائیل نابودی ایران به عنوان یک رقیب صنعتی، نظامی، سیاسی و منطقی است، نه یک ایران بدون تحریمهای اقتصادی و سیاسی که در حال صلح با همسایگان باشد.

زمانی هم است که دیوانه دروغ را تحت الشعاع قرار میدهد. در حالیکه او دیوانه است و اما شما آرزو میکنید، یا حداقل امیدوار هستید که او دروغ می‌گوید: "مگر من فکر میکنم کیوبا پایان را دیده است. میدانید، تمام زندگی من در مورد ایالات متحده و کیوبا میشنیدم. ایالات متحده چه وقت این کار را انجام خواهد داد؟ من باور دارم که من افتخار داشتن افتخار گرفتن کیوبا را خواهم داشت. این خوب خواهد بود. این یک افتخار بزرگ است، گرفتن شما، گرفتن شما به یک شکل. منظورم این است که چه من آنرا آزاد کنم، چه آنرا بگیرم، من فکر میکنم که من میتوانم هر کاری که میخواهم با آن انجام دهم". فراموش نکنید که امریکا در زمان جان اف کندی با رسیه (اتحاد شوروی وقت) توافق کردند که امریکا هیچوقت به کیوبا حمله نکند. کیوبا زیر چتر حمایت اتمی روسیه قرار دارد.

مثال دیگری از نشانه‌های یک انسان دیوانه وقتی ظاهر شد که دونالد ترامپ در مرد صدر اعظم بریتانیا صحبت میکرد و میکوشید او را در حمله به ایران با خود هم‌نوا سازد. او گفت: "وصدر اعظم یک مرد خوب است. به نظر من او یک آدم بسیار خوب است. او می‌گوید، خوب، من میخواهم از تیم خود بیرسم. من گفتم، شما نیازی به نگرانی در مورد یک تیم ندارید. شما صدر اعظم هستید. شما میتوانید یک تصمیم بگیرید. مگر او گفت خوب، من باید با مردم خود صحبت کنم. من گفتم، شما نیازی به صحبت کردن با کسی ندارید". در مورد یک تصمیم‌گیری مهم مانند جنگ و صلح شما ممکن میخواهید با اعضای حکومت تان مشوره کنید شامل اردو و وکلای حقوقی شما خواهد بود. مگر ترامپ این را نمیفهمد. من نمیدانم که آیا این نوع رفتار تحت نشانه‌های دیوانه، غیر صادق، و یا نفرت انگیز، و یا هر سه قرار می‌گیرد.

در دنیای دونالد ترامپ تخیل و افسانه به حقیقت تبدیل میشود و هر چیزی که با صدای بلندتر گفته میشود به حقیقت تبدیل میشود. به همین دلیل است که "اخبار جعلی" فقط یک شعار نیست، این یک ستراتیژی است نه برای ترغیب بلکه برای گیج کردن، تا خط بین حقیقت و جعل را کاملاً تار کند که تماشاچیان دیگر به هیچکدام شان اعتماد نکنند. و زمانیکه این اتفاق می‌افتد، خود حقیقت سقوط میکند. بعضی اوقات اجراء با تقلید مضحک هم مرز است. مسخره تر آن است که در یک گردهمایی اخیر، ترامپ ادعا کرد که ایران او را که یک صهیونیست عیسوی است به عنوان رهبر عالی مذهبی

می خواهد، البته، او با تشکر رد کرد. "من این را نمیخواهم، من این را نمیخواهم، نه تشکر از شما." مگر او معنی رهبر مذهبی شیعیان و وواجدین شرایط برای احراز این مقام را نمیداند؟ پوچ بودن یک ادعای احمقانه از بالاترین مقام روی زمین تحویل داده شد و برایش شنوندگان کف زدند. ببینید این جامعه، که در ظاهر پیشرفته ترین جامعه در روی زمین باید باشد تا چه حدی نزول کرده است! مگر نکته این است: زمانیکه دروغ ها سیستماتیک میشوند، پوچ بودن عادی میشود. این دولت داری نیست، ما به یک ماکیاویلی نو نیز داریم تا اصول آنرا ترسیم نماید!

این بازار است که به امپراطوری ارتقا یافته است. معاملات بدون محدودیت، اهرم بدون اصل، حرص بدون محدودیت. همه چیز قابل مذاکره است، همه چیز معاملاتی است. —حتی حقیقت. نتیجه قدرت نیست، این صحنه تماشا است، نمایشنامه تمثیل است: یک ابرقدرت که در مطلق ها صحبت میکند، در تناقضات عمل میکند، و توقع دارد که جهان هر دو را بپذیرد!

مگر جهان دیگر این کار را نمیکند. متحدین دریغ میکنند، رقبا محاسبه میکنند، حتی شرکای دیرینه عقب نشینی میکنند. زیرا قدرت وقتی شکست خورده فروپاشید، زمانی فروپاشید که دیگر باور نشود، همانطور که آنتونی ایدن در جریان بحران سوئز کشف کرد. و این تغییر حالا در حال جریان است، امریکا دیگر جدی گرفته نمیشود. این نمایشنامه بی سروصدا رد شده است.



آرشیف: مطالب نشر شده نور احمد خالدي